

[www.shariaty.com](http://www.shariaty.com)

پایگاه علمی ادبی و فرهنگی مظفر شریعتی

[کانال تلگرام افسانه ی هستی](#)

[بیشترین و  
خرد](#)

[کتابخانه](#)

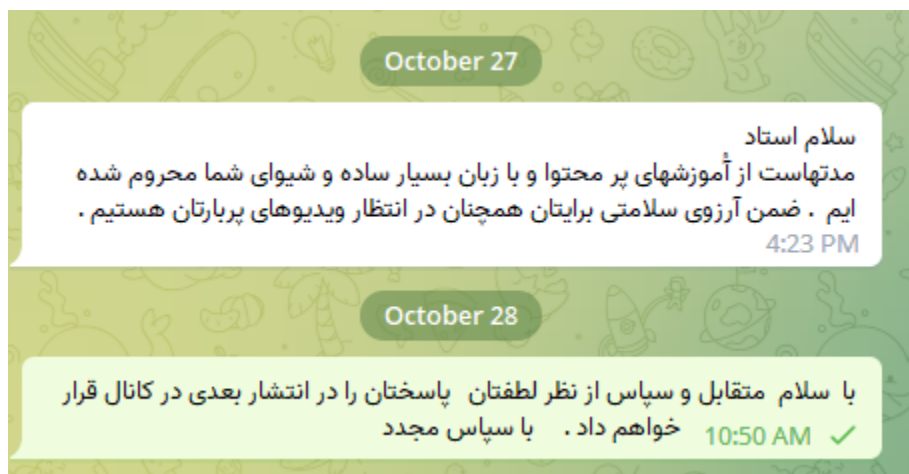
[تولیدات  
تصویری](#)

[تولیدات  
صوتی](#)

[نوشته ها](#)

[تماس با  
من](#)

[در باره ی  
من](#)



میتوان بر این باور بود که زمین سطح صافی ایستاده بر شاخ گاو است اما همچنان با آرامش و در بهشتی با روابط انسانی بر روی آن زندگی کرد ، حال آنکه ما با دانستن تعداد کهکشانهای جهان و با گوشی های تلفن همراه جادویی در دستمان ، در جهنم ناشی از فقدان روابط انسانی مان در حال سوختن و نابود شدن هستیم . بخشی از متن زیر

با سپاس بسیار از نظر لطف شما اما در شرایط فعلی من مطلب مهمی برای آموختن و انتقال به دیگران بویژه به نسل جوان و حتی بسیار جوان امروز ندارم و این روزها خود در حال آموختن درسهای مهمتری از آنها هستم . نسلی که نه تنها به خوبی از گرد بودن زمین و تعداد کهکشانها و آخرین دانسته های علمی در مورد جهان و حیات خود بر این سیاره با خبر است . که بخوبی از خطاها و اشتباهات نسل و نسل های گذشته ی خود در زمینه های مختلف فلسفی ، فرهنگی ، سیاسی و عقیدتی نیز آگاه بوده و از آنها درس گرفته است . نسلی که در تنها چند کلمه یا جمله ی کوتاه و به زبان ساده نه تنها والدین و

معلمان و استادان درسی خود ، که بزرگترین متکلمان ، سخنوران و سخن پراکنان جهان را در گفتگوی با خود به چالش گرفته به سکوت در مقابل آگاهی ، هوشیاری و توان استدلال خود وادار میکنند.

و اما در مورد نسل و نسلهای گذشته هم که به نظر میرسد اگر تا کنون هیچ درسی حتی از تجربه های زندگی خود نیز نیاموخته باشند ، انتظار اینکه پس از این چیزی بیاموزند و یا به صحت برخی از کردار و یا آموخته های کهن خود شک کنند هم انتظار معقولی نخواهد بود ، چه رسد به انتظار درک و از آن دشوار تر پذیرش یافته های دانش جدید در شاخه هایی چون فیزیک ، کیهان شناسی یا زیست شناسی ! بنابراین شاید تلاش در آموزش اینگونه مطالب و مفاهیم علمی و یا سخن گفتن از تفاوت های علم و شبه علم و مفید بودن استفاده از روش علمی حتی در زمینه ی مسائل فرهنگی ، اجتماعی ، فلسفی ، عقیدتی و غیره ، دست کم در شرایط فعلی و در سطح عموم شنونده و فایده ی چندانی نداشته و آب در هاون کوبیدن باشد ! .

اما علاقه و تاکیدی که من برگسترش علم و دانش و بویژه دانش های کیهان شناسی و زیست شناسی و نیز تفاوت های علم با شبه علم و آگاهی عموم بر اصول تفکر با روش علمی دارم همه و همه به دلیل تأثیری است که به نظر من این علوم و اینگونه علمی اندیشیدن میتواند بر دیدگاه های فرهنگی ، اعتقادی و فلسفی انسانها بگذارد و آنها را به این نکته آگاه و متوجه سازد که حقایق جهان هستی بسیار پیچیده تر و وسیع تر از آن هستند که ما خود را آگاه ترین بر آنها دانسته و به توهم این آگاهی و یا وجود هر گونه وظیفه و رسالتی ماورای انسانی، ، خود را مجاز به هر عملی بدانیم . آگاهی بر این دانش ها به ما میگوید که در وسعت و عظمت غیر قابل درک و تصور این گیتی چگونه ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم داده اند تا به بازی طبیعت و یا اراده ی خالق آگاه حیات ما و دیگران شکل بگیرد . ( ویدیوی [افسانه ی هستی](#) را ببینید ) حیاتی که با هر یک از دو دیدگاه ذکر شده ی خدا باوری و یا طبیعت گرایی ، صرفنظر از هر چالش علمی و فلسفی احتمالی درمورد آنها ، در نهایت متوجه خواهیم شد که ما این حیات غیر قابل بازگشت را به کسی نداده ایم که حق داشته باشیم از آنها بگیریم آن هم به تصور درست بودن قضاوت هایی که گذشت زمان و تاریخ نیز اغلب اشتباه بودن آنها را نشان داده است . دوستان و شنوندگان و خوانندگان من میدانند که در کار صوتی [در فراق یار](#) تولید سال 1386 و نیز در نوشته ی "[در باره ی من](#)" در وبسایتم عقیده ام را در باره ی ضرورت آشنایی با چند شاخه از دانش به این صورت بیان کرده بودم که همچنان نیز بر همان باور هستم :

به نظر من همه باید کمی فیزیک و نجوم ، کمی فلسفه ، زیست شناسی و تاریخ بدانند . فیزیک و نجوم به ما نشان میدهد که جهان آنقدر عظیم است که ما و همه ی کهکشانیان هم در آن به حساب نمی آیم . اما زیست شناسی هم به ما میگوید که خودمان را هم خیلی دست کم نگیریم چرا که عظمت همان سلولهای خاکستری مغزمان کمتر از آن کهکشانیها نیست . فلسفه هم کمک میکند که وجود خودمان را در این دنیای عجیب توجیه کرده و یا دست کم بتوانیم تحملش کنیم و سرانجام تاریخ هم به ما یاد میدهد که حال که هستیم و مجبوریم که در آن زندگی کنیم چگونه باید باشیم .

و البته متأسفانه کم کم و این روزها وقتی گاهی به آسمان پر ستاره ی شبهای یک کویر نگاه میکنم ( مستندهای کویر 1 ، کویر 2 و ... ) به این نیز می اندیشم که اگر قرار است حیات و تکامل آن سرانجام

به پیدایش موجودی چون ما آدمیان منجر گردد که اگر چه میتوانند هم به فرشته های زیبا و نیک کرداری تبدیل شوند و هم به شیطان های پلید و قدرتمندی ، اما چون تجربه ی تاریخ ما آدمیان دست کم تا کنون سنگین بودن کفه ی ترازوی شیطان صفتان را نشان داده است، امیدوارم که حقیقتا ما تنها حیات ایجاد شده در سرتاسر این گیتی باشیم که متاسفانه بسیار هم بعید میباشد و اگر نتوانیم راهی برای اصلاح خود و پیوند دادن انسانیت به وجود حیوانی خود پیدا کنیم متاسفانه چه بهتر که ما نیز هر چه سریعتر مانند بسیاری از انواع دیگر حیات در این سیاره منقرض گشته و دست کم سایر گونه های حیات بر روی این سیاره را از شر وجود خود آسوده سازیم . چرا که دست کم آنها به جبر غریزه ی حیات - که ای کاش اینگونه طراحی نشده بود - فقط میکشند تا بخورند و زنده بمانند . و خارج از این محدوده آزاری به دیگران نمیرسانند . اما ما آدمها تنها موجوداتی هستیم که علاوه بر کشتن دیگر انواع موجودات برای تغذیه و به جبر قاعده ی نازیبای حیات ، برای لذت بردن ، کسب و حفظ قدرت و منافع مادی و یا در راستای باورهای موهوم فلسفی و اعتقادی مان به راحتی یکدیگر را کشته و به هر عملی هر اندازه زشت و غیر انسانی نیز دست میزنیم . که بر خلاف خشونت ها و بی رحمی های سرتاسر تاریخ گذشته ی بشریت ، که فقط به کمک انتقال خاطره ها و یا ثبت توسط واژه هایی بر صفحات برخی از کتب تاریخ نقش میبستند و یا فراموش میشدند ، در عصر و دوران ما و با فناوریهای تصویری و ارتباطی جدید توسط همگان و در هر سن و شرایط مکانی و زمانی قابلیت مشاهده ی عینی و حتی زنده را داشته و خواب را از چشمان هر انسانی میگیرد .

البته این سخن ها اگرچه به دلیل وجود دردهای مشترک انسانی همه ی انسانهایی است که به این مسائل می اندیشند ، اما به مفهوم نا امیدی از پیروزی انسانیت و یا نفی تلاش های علمی در دانستن و آگاه شدن نیز نمیباشد که همین آگاهی ها نیز ما و بویژه نسل های جوان ما را به افکار و اندیشه های جدید و راه گشای مسائل دنیای امروزی رسانده است و همچنان آیندگان را نیز به یافتن راه حل مشکلات آینده ی آنها خواهد رساند . اما در هر حال هر سخن جایی و هر نکته زمانی دارد و به نظرم میرسد که فعلا ما به جای نشستن بر سر کلاس های درس فیزیک و کیهان شناسی و یا شیمی و زیست شناسی ، و فراهم آوردن ابزار قدرتمند تری برای صاحبان و حاکمان ثروت و قدرت ! به نشستن سر کلاس های درس تعلیمات اجتماعی و انسانی بیشتر نیازمند هستیم . چرا که میتوان بر این باور بود که زمین سطح صافی ایستاده بر شاخ گاو است اما همچنان با آرامش و در بهشتی با روابط انسانی بر روی آن زندگی کرد ، حال آنکه ما با دانستن تعداد کهکشانهای جهان و با گوشی های تلفن همراه جادویی در دستانمان ، در جهنم ناشی از فقدان روابط انسانی مان در حال سوختن و نابود شدن هستیم .

بنابراین به گمانم و همانطور که در مجموعه ی [نجوم به زبان ساده](#) هم اشاره کردم ما در عصر و زمان و موقعیتی قرار گرفته ایم که باید بیش از وقت و انرژی که برای گسترش حجم دانش و توان ابزار سازی هایمان صرف میکنیم که دست کم برای رفع نقایص و معایب جدی آنها هم ضروری است ، در تلاش برای آگاه سازی همه ی مردم جهان از یافته های دانش در همین سطح فعلی و نیز بهره مندی همگان از همه ی دستاوردهای مفید آن و رسیدن به عدالت اجتماعی و انسانیت گم شده مان در سطح خانه و شهر و کشور و قاره و تمامی جهانمان تلاش کنیم .

از طرفی نیز متاسفانه دستاوردهای دانش و فناوری در حال حاضر بیشتر به تقویت امکانات صاحبان ثروت و قدرت منجر شده و میشود تا رسیدن به رفاه جمعی و عدالت اجتماعی برای همگان . و

افراد متخصص نیز خواسته و یا ناخواسته به چرخ دنده های همین ماشین های حفظ قدرت و ثروت طبقاتی خاص تبدیل شده و میشوند ! با آرزوی اینکه روزی همه ی انسانها در سرتاسر جهان بتوانند در جوامعی آگاه و به روز و دارای رفاه و عدالت اجتماعی زندگی کرده و منافع حاصل از پیشرفتهای علمی و فنی نیز به جای تقویت قدرت گروهی خاص به صورتی عادلانه و بدون هیچ تبعیضی در اختیار همه ی انسانها و در سرتاسر جهان قرار گیرد و به امید روزی که گفتمان "منافع ما ایجاب میکند " جایش را به " انسانیت ما ایجاب میکند " بدهد و سرانجام آرزوی اینکه باز حال همگی ما خوب شود تا باز هم بتوانیم از اندازه ی گیتی و تعداد کهکشانهای آن و امکان گفتگو با سایر تمدن های هوشمند آن بگوییم . اما فعلا که حال بسیاری از ما خوب و مناسب این بحث های علمی نیست تا شاید وقتی دیگر .

مظفر شریعتی

آبان 1401